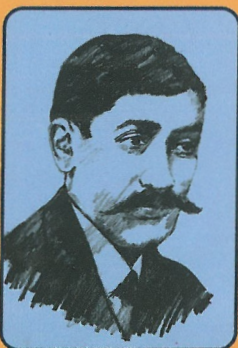
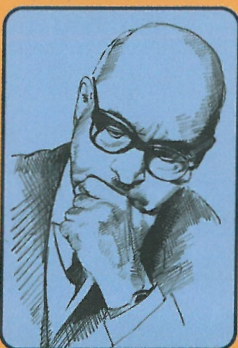
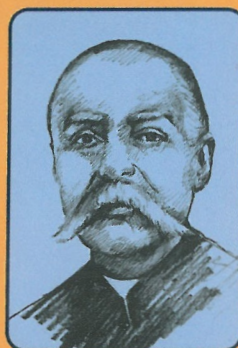


تاریخ‌شناسی موسیقی و ردیف موسیقی ایران

محمدجواد کسائی



به نام خدا

تاریخ شناسی موسیقی و ردیف موسیقی ایران

پژوهش و نگارش:

محمد جواد کسائی

مؤسسه فرهنگی - هنری آوای نوین اصفهان



اصفهان ۱۳۸۷

فهرست

□ پیشی درآمد، درآمد

۲۳.....	رکن‌الدین مختاری.....
۲۴.....	غلامحسین درویش.....
۲۴.....	غلامرضاخان سالار معزز.....
۲۵.....	حسین هنگ آفرین.....
۲۵.....	مرتضی نی‌داود.....
۲۵.....	حبیب الله شهردار (مشیرهمایون).....
۲۶.....	عبدالحسین شهنازی.....
۲۷.....	سیدحسین طاهرزاده.....
۲۸.....	قمرالملوک وزیری.....
۳۰.....	ملوک کاشانی (ضرابی).....
۳۲.....	بتول عباسی (روح انگیز).....
۳۳.....	عبدالحسین صدراصفهانی (صدرالمحدثین).....
۳۴.....	اسماعیل مهرتاش.....
۳۵.....	علی نقی وزیری.....
۳۸.....	حبیب سماعی.....
۳۹.....	ویژگی‌های موسیقی مشروطه.....
۳۹.....	سرانجام دوره موسیقی مشروطه.....
۴۰.....	ب - موسیقی نوین.....
۴۶.....	شرح زندگی هنری چند موسیقی‌دان در دوره موسیقی نوین.....
۴۶.....	ابوالحسن صبا.....
۴۸.....	روح‌الله خالقی.....
۴۹.....	حسینعلی وزیری تبار.....
۵۰.....	حسین یاحقی.....
۵۱.....	رضا محجوبی.....
۵۲.....	ارسلان درگاهی.....
۵۳.....	جلال تاج اصفهانی.....
۵۴.....	مرتضی محجوبی.....
۵۵.....	اسماعیل ادیب خوانساری.....
۵۷.....	لطف الله مجد.....
۵۸.....	عصمت باقرپور (دلکش).....

□ ۱ تاریخ چه می‌گوید؟..... ۱

۳.....	کهن‌ترین اثر شعر و موسیقی آریایی.....
۳.....	کهن‌ترین میراث مدون ایرانیان در شعر و موسیقی.....
۳.....	موسیقی هخامنشی.....
۴.....	موسیقی ساسانی.....
۴.....	موسیقی ایران پس از اسلام.....
۴.....	موسیقی اموی.....
۴.....	موسیقی عباسی.....
۵.....	برخی دانشمندان موسیقی‌دان (از اسلام تا حمله مغول).....
۵.....	هجوم مغول و دگرگونی اوضاع ایران.....
۶.....	موسیقی تیموری تا ظهور صفویه.....
۶.....	موسیقی صفوی.....
۷.....	موسیقی در گذار تاریخ از انقراض صفویه تا ظهور زندیه.....
۸.....	قاجاریه و موسیقی قاجاری.....
۱۱.....	وضعیت موسیقی قاجاری از دیدگاه اروپائیان.....
۱۲.....	ویژگی‌های موسیقی قاجاری.....
۱۳.....	سرانجام دوره موسیقی قاجاری.....
۱۴.....	جنبش مشروطه‌خواهی.....
۱۶.....	چند نمونه کوتاه از شعر مشروطه.....
۱۸.....	تجدد و نوجویی در موسیقی.....
۱۹.....	عصر شکوفایی موسیقی ایران.....
۱۹.....	الف - موسیقی مشروطه.....
۲۲.....	موسیقی‌سازان مشروطه.....
۲۲.....	شرح زندگی هنری چند موسیقی‌دان در دوره موسیقی مشروطه.....
۲۲.....	ابوالقاسم عارف قزوینی.....
۲۲.....	محمدعلی امیرجاهد.....
۲۳.....	جهانگیر مراد (حسام السلطنه).....

۲) ردیف موسیقی ایران، ضرورت بازاندیشی ۱۰۷

ردیف	۱۰۹
ردیف موسیقی	۱۰۹
سیر تحولات ردیف	۱۰۹
مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)	۱۱۱
پس لغزش از کجا شروع شد؟	۱۱۱
مخبر السلطنه در تعارض با مشروطه خواهی	۱۱۴
خیابانی که بود؟	۱۱۵
فرصت الدوله شیرازی	۱۱۹
تقی بینش	۱۲۳
علی نقی وزیری	۱۲۳
مهدی برکشلی	۱۲۴
مرتضی حنانه	۱۲۴
مرتضی نی داود	۱۲۹
محمد معین	۱۲۹
ابوالحسن صبا	۱۲۹
ا. ح. آریان پور	۱۳۶
روح الله خالقی	۱۳۶
احمد عبادی	۱۴۲
علی تجویدی	۱۴۲
حسینعلی ملاح	۱۴۶
حسن مشحون	۱۴۷
حسن کسائی	۱۴۸
حسین عمومی	۱۵۲
هرمز فرهت	۱۵۴
حسین دهلوی	۱۵۶
فرامرز پایور	۱۵۷
ساسان سپنتا	۱۵۹
مهدی فروغ	۱۶۸
محمدحسین قریب	۱۶۹
محمد رضا شفیعی کدکنی	۱۶۹
عبد الوهاب شهیدی	۱۷۰
ردیف در زندان جزوه !	۱۷۰
کدام ردیف؟	۱۷۲
باید و نیست	۱۷۲
روایت کننده کیست؟	۱۷۲
بهترین فرصت کدام است؟	۱۷۳
یک قصبه	۱۷۳
زیبایی شناسی ردیف	۱۷۳
پالایش ردیف	
ردیف و جزوه	

حسین تهرانی	۵۹
احمد عبادی	۶۱
رضا ورزنده	۶۳
غلامحسین بنان	۶۴
جواد معروفی	۶۵
حسین قوامی	۶۶
علی تجویدی	۶۷
جلیل شهناز	۶۸
حسن کسائی	۷۰
حبیب الله بدیعی	۷۲
سیمین آقارضا	۷۲
پرویز یاحقی (صدیقی پارسی)	۷۳
فرامرز پایور	۷۴
رحمت الله بدیعی	۷۵
امیر همایون خرم	۷۶
عبد الوهاب شهیدی	۷۶
موسیقی مردم پسند	۷۷
الف - شبه موسیقی (موسیقی تجاری)	۷۷
ب - موسیقی هنری - مردمی (موسیقی سبک)	۷۷
جهانبخش پازوکی	۷۸
ویژگی های موسیقی نوین	۷۹
سرانجام دوره موسیقی نوین	۸۰
موسیقی بازگشت	۸۱
سیر قهقراپی در موسیقی	۸۱
مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی	۸۲
داریوش صفوت	۸۳
ارتباط فرهنگی ها با موسیقی بازگشت	۸۵
حفظ موسیقی سنتی در ایران امروز	۸۶
از علی اکبر فراهانی تا صفوت و محمود کریمی	۸۷
ژان دورینگ و عقاید او	۸۸
ایرانی ها و موسیقی بازگشت	۹۰
سیری در افکار و عقاید داریوش صفوت	۹۲
مکتب بازگشت ادبی	۹۶
اصول مکتب بازگشت ادبی	۹۶
برخی از مشترکات بازگشت ادبی و موسیقی بازگشت	۹۹
شعر ضد بازگشتی	۹۹
قیاسی کوتاه بین نثر قاجاری و نثر امروزی	۱۰۰
چگونه موسیقی ایران راه رفته را بازگشت؟	۱۰۱
ویژگی های موسیقی بازگشت	۱۰۴
سرانجام دوره موسیقی بازگشت	۱۰۵

کدام روایت؟..... ۱۷۳

۳ ... و اما ردیفی که پیش رو دارید..... ۱۷۵

حکایت چند روایت..... ۱۷۷

روایت ۱۳۳۹..... ۱۷۷

روایت ۱۳۵۱..... ۱۷۷

روایت ۱۳۵۳..... ۱۷۸

ردیف مکتب اصفهان !..... ۱۷۸

ردیف و ردیف آوازی در اصفهان قدیم..... ۱۷۹

روایت ۱۳۸۵..... ۱۸۲

چند نکته..... ۱۸۴

روایت ۱۳۸۶..... ۱۸۴

سخن پایانی..... ۱۸۴

ردیف موسیقی ایران (با اجرای سه‌تار و آواز استاد

حسن کسایی)..... ۱۸۵

دستگاه ماهور..... ۱۸۵

دستگاه شور..... ۱۸۹

آواز بیات ترک..... ۱۹۱

آواز ابوعطا..... ۱۹۴

آواز افشاری..... ۱۹۷

آواز دشتی..... ۱۹۹

دستگاه سه‌گاه..... ۲۰۱

دستگاه چهارگاه..... ۲۰۳

دستگاه راست پنج‌گاه..... ۲۰۶

دستگاه همایون..... ۲۰۸

آواز بیات اصفهان..... ۲۱۰

دستگاه نوا..... ۲۱۲

منابع و مأخذ..... ۲۱۵

نمایه..... ۲۲۱

نمایه کسان..... ۲۲۳

واژگان و اصطلاحات..... ۲۳۷

پیش در آمد

«آورده‌اند که شخصی در راه حج در برّیه افتاد و تشنگی عظیم بر وی غالب شد تا از دور خیمه‌ای خرد و کهن دید. آن جا رفت. کنیزکی دید. آواز داد آن شخص که: «من مهمانم، المراد». و آن جا فرود آمد و نشست و آب خواست. آبش دادند که خوردن آن آب از آتش، گرم‌تر بود و از نمک، شورتر. از لب تا کام، آن جا که فرو می‌رفت، همه را می‌سوخت. این مرد از غایت شفقت در نصیحت آن زن مشغول گشت و گفت: «شما را بر من حق است. جهت این قدر آسایش که از شما یافتم، شفقتم جوشیده است. آن چه به شما گویم پاس دارید. اینک بغداد نزدیک است و کوفه و واسط و غیرها. اگر مبتلا باشید، نشسته، نشسته و غلتان غلتان می‌توانید خود را آن‌جا رسانیدن، که آن جا آب‌های شیرین خنک بسیار است». و طعام‌های گوناگون و حمام‌ها و تنعم و خوشی‌ها و لذت‌های آن شهرها را برشمرد.

لحظه‌ای دیگر آن عرب بیامد، که شوهرش بود. تایی چند از موشان دشتی صید کرده بود. زن را فرمود که آن را پخت و چیزی از آن به مهمان دادند. مهمان، چنان که بود، کور و کبود از آن تناول کرد. بعد از آن، در نیم‌شب، مهمان بیرون خیمه خفت.

زن به شوهر می‌گوید: «هیچ شنیدی که این مهمان چه وصف‌ها و حکایت‌ها کرد؟ قصه مهمان، تمام بر شوهر بخواند.

عرب گفت: «همانا، ای زن، مشنو از این چیزها، که حسودان در عالم بسیارند. چون بینند بعضی را که به آسایش و دولتی رسیده‌اند، حسدها کنند و خواهند که ایشان را از آن‌جا آواره کنند و از آن دولت محروم کنند.»

اکنون این خلق چنین‌اند: چون کسی از روی شفقت پندی دهد، حمل کنند بر حسد - الا چون در وی اصلی باشد، عاقبت روی به معنی آرد. چون بر وی از روز آلت قطره‌ای چکانیده باشند، عاقبت آن قطره او را از تشویش‌ها و محنت‌ها برهاند. بیا! آخر چند از ما دوری و بیگانه و در میان تشویش‌ها و سوداها؟» (۴۷)

آب مبدل شد در این جو چند بار
قرن‌ها بگذشت و این قرن نوی است
عکس آن خورشید دائم برقرار
ماه آن ماه است و آب آن آب نیست

ما به دنبال چیستی موسیقی ایران، باید سیر تحولات تاریخی آن را با نگاهی طولی دنبال کنیم - نه با نگاهی مقطعی و گذرا - و با شناخت بنیان‌های فلسفی، جامعه‌شناختی و فرهنگ‌شناختی در ادوار مختلف، به دیدگاهی کلی و فراگیر و مهم‌تر از آن به تاریخ تحلیلی موسیقی دست یابیم، تا بی‌گمان از این گذرگاه به شناخت جایگاه گذشته، حال و آینده احتمالی این هنر ملی در سرزمین‌مان توفیق پیدا کنیم، البته به دور از هرگونه یک‌سویه‌نگری، سلیقه‌پردازی، سهل‌انگاری، مطلق‌اندیشی، و بدون تکیه بر باورهای سست و ناروا. چنان که مردم ممالک متمدنی، موسیقی گذشته خود را به تاریخ می‌سپارند، ما نیز باید چنین کنیم و آن را درسی و مشقی قرار دهیم برای حال و آینده، نه آن که موسیقی حال و حتی آینده خودمان را به گذشته ببریم و از آن ندانسته به صورت سد استفاده کنیم.

کتاب حاضر در واقع آغازیست بر نگرشی تحقیقی - تحلیلی به تاریخ موسیقی که دستمایه اصلی آن بر مطالعه، اندیشه‌ورزی و رنج‌بی‌پایان گذشتگان استوار شده، تا به ویژه جوانان و علاقه‌مندان بخوانند و بدانند چکیده‌ای از تاریخ موسیقی مادری خود را، ... هرچند بنای آن بر اختصار گذاشته شده و بر پایه حوصله خوانندگان روزگار ما تنظیم یافته، لیکن با رسیدن به گذشته نزدیک، و بنا به حکم ضرورت، شرح و تحلیل تاریخی موسیقی و موسیقی‌دانان، اندکی انبساط یافته است.

بخش دوم با بررسی سیر تحول و نقل و انتقال ردیف در موسیقی ایران و با تجزیه تحلیل دیدگاه‌های مختلف در این زمینه، به تأثیرگذاری جنبه‌های متفاوت آن در موسیقی پرداخته، تا بیش‌تر و بهتر بدانیم و بشناسیم که چه سرگذشت محتومی و چه سرنوشت معلومی برای موسیقی ما و ردیف موسیقی ما رقم خورده است و در نهایت، موضوع و محور اصلی این مجموعه صوتی - نوشتاری یعنی ردیفی که پیش رو دارید، به شرح و تفسیر آمده، تا به کمک دو بخش پیشین، فراگیری آگاهانه علاقه‌مندان را یاری‌رسان باشد.

به هر تقدیر این بود آن چه با رعایت اختصار و تنگنای موجود در گشودن مباحث مختلف، صورت امکان به نوشتن یافت. امید که با فرهنگ‌گرایی در موسیقی، دیگر بار موسیقی ایران به عوالم معنوی که شایسته و سزاوار آن است بازگردد و با درک صحیحی از زمان، به سیر تکاملی بپردازد، نه آن که شتابان به دامان غرب بیاویزد، و نه آن که به دوران پارینه‌سنگی رجعت کند.

محمد جواد کسائی

فروردین ۱۳۸۷ - اصفهان

صبح آمد و مرغ صبحگاهی
زد نغمه به یاد عهد دیرین
پروین اعتصامی

موسیقی ایران در طول سرگذشت خود با گذر از سده‌های متوالی، زندگی ناآرام و پرنشیب و فرازی را طی کرده و هرگاه مجالی برای تنفس یافته، به شکوفایی رسیده است. بدون شک این موسیقی، مخصوص این سرزمین و نشأت گرفته از احساسات درونی یا باطن مردم آن است، و از این روی است که غم‌ها و شادی‌های این ملت کهن در آن، انعکاسی جاودانه دارد و در لحظه لحظه آن، موج می‌زند. مگر نه آن است که به غیر از بناهای ویران و نیمه‌ویران عهد باستان، ایران و ایرانیان به موسیقی و ادب پارسی، سرفرازند و آن را نمودی عظیم از قومیت و ملیت خود می‌دانند؟ پس بر ماست که در حفظ و احیای آن بکوشیم و در نگاهیانی‌اش از دست تطاول روزگار و روزگاران دریغ نورزیم.

کهن‌ترین اثر شعر و موسیقی آریایی

کهن‌ترین اثر ادبی آریایی «وداها» یا کتاب مقدس هندی‌هاست که بخشی از آن شامل نغمات و سرودهای مذهبی و میراث باستانی قوم هند و ایرانی است که به زبان سانسکریت نوشته شده است. بنابراین وجود قطعات منظوم و سرودهای مذهبی، وجود شعر و موسیقی طوایف آریایی را بر ما معلوم می‌سازد.

کهن‌ترین میراث مدون ایرانیان در شعر و موسیقی

قدیمی‌ترین بخش اوستا «گات‌ها» است که قسمتی از آن به صورت سرودهای مذهبی و با آهنگ و آواز مخصوص خوانده می‌شده، که آن را باید کهن‌ترین میراث تدوین شده ما ایرانیان در زمینه شعر و موسیقی دانست. از این روزگار در کاوش‌های باستان شناسی نیز، ادوات و آلات موسیقی چندی به دست آمده است که دلالت بر اجرای آن در آن زمان‌ها دارد.

موسیقی هخامنشی

در این عصر، موسیقی به دوران شکوه خود رسید و در مناسبت‌های مختلف از آن بهره گرفتند، از جمله در هنگام جشن‌ها، رزم‌ها و حتی در هنگام چاشت. گزنفون از قول کمبوجیه گوید: «موسیقی شناسان این عصر، مقام‌های گذشتگان را تکرار نمی‌کنند و خود مقامات تازه‌ای ابداع و اجرا می‌نمایند.»^(۳۰)

این نکته از آن روی در خور اهمیت است که هر جامعه‌ای در هر مقطعی، به لحاظ اجتماعی و فرهنگی به رشد و شکوفایی رسید، موسیقی آن نیز احیاء می‌گردد و خلاقیت و بدعت‌گذاری در آن به اوج می‌رسد. از این دوران نیز در کاوش‌های به عمل آمده، سازهای متعددی به‌دست آمده و به طور کلی می‌توان این سازها را به دو نوع بزمی و رزمی تقسیم نمود.

موسیقی ساسانی

بنابر توجه شاهان سلسله ساسانی به موسیقی، این هنر بسیار رونق گرفت و اعتبار خاصی یافت. چنان‌چه به گفته مؤلفین کتاب «تمدن ایرانی»^(۱۶) موسیقی بخش مهمی از تمدن ایران را در آن زمان تشکیل داد و موسیقی‌دانان، طبقه خاصی را تشکیل می‌دادند و به طوری که در تاریخ آمده است، اردشیر بابکان (سر سلسله پادشاهان ساسانی)، «وزیر موسیقی» تعیین نموده بود و چون دیگر پادشاهان این دوره، موسیقی را ارج بسیار می‌نهاد. در همین روزگار است که «موسیقی سازی»، شاید برای نخستین بار از شعر، کلام و آواز استقلال می‌یابد و آهنگ‌هایی به نام راوشن (رواسین) ساخته می‌شود. همچنین ترانه‌هایی ساخته می‌شود که آهنگ با واژه‌ها منطبق است و به «دستان‌ها» یا «دستانات» معروف می‌گردد.

مستندات تاریخی موسیقی ساسانی عبارتند از: (۱) نوشته‌های کتب ادبی. (۲) روایت‌های تاریخی. (۳) اشعار شعرا. (۴) کتیبه‌ها و گچ‌بری‌ها. (۵) نقوش حک شده بر ظروف سیمین. (۶) نقاشی بر روی ظروف و موزائیک‌های آن عهد. از موسیقی‌دانان معروف زمان خسرو پرویز می‌توان به این هنرمندان اشاره نمود: باربد، نکبسا، بامشاد، رامتین، سرکیس، آزادوار چنگی و کوسان نواگر.

موسیقی ایران پس از اسلام

موسیقی اموی

در نواحی دور دست یعنی خراسان، گیلان، مازندران و نواحی کوهستانی که دور از مرکز خلافت بود، موسیقی‌دانان و موسیقی‌شناسان، سعی بسیار نمودند که شالوده موسیقی عهد ساسانی را حفظ نمایند، اما سیاست‌های ناروای امویان و ستم مستمر آنان بر ایرانیان، در روح هنرمندان اثری عمیق گذاشت و جای موسیقی نشاط‌انگیز عهد ساسانی را الحان و نغمات حزن‌انگیز و ملال‌آور گرفت و مردم نیز برای رهایی از بیداد دوران به الحان و نواهای افسرده پناه بردند تا قدری از آلام خود را به‌دست فراموشی سپارند.

موسیقی عباسی

با از بین رفتن حکومت امویان و استقرار خلافت عباسیان و پایتختی بغداد، همچنین بذل توجه خلفای عباسی به هنرهای زیبا از جمله موسیقی، موجب شد که دیگر بار، موسیقی باقی مانده از ساسانیان، حیاتی دوباره به خود گیرد و با پیدایش شعر عروضی و ظهور شاعرانی چون حنظله بادغیسی، محمد بن وصیف سیستانی و ابوحض سعدی سمرقندی، در سده سو

شاعران و موسیقی دانان، شعرهای هجایی را با نغمات و الحان موسیقی ترکیب کنند. این شد که بار دیگر با حمایت خلفای عباسی از ترویج موسیقی، شعر و تألیف و ترجمه آثار ارزنده، راهی نو و آئینی تازه از این تمدن (و با پشتوانه تمدن ساسانی)، پا گرفت. از موسیقی دانان معروف این دوره می‌توان ابراهیم بن ماهان ارگانی (ارجانی) معروف به «موصلی» و خاندانش را نام برد. از آثار ارزنده باقی مانده از این دوران که مربوط به تاریخ دوران اولیه خلافت عباسیان است، می‌توان به کتاب «آغانی» نوشته ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶-۲۶۸)، اشاره نمود.

از وقایع قابل توجه این دوره، ظهور ابوالحسن علی بن نافع، ملقب به «زریاب» از موسیقی دانان بزرگ و به نام است که بنا به حسادت «موصلی»، شهر بغداد را به قصد اقامت در اندلس (اسپانیا) ترک نمود و در آن جا مورد عنایت و حمایت خلیفه اموی قرار گرفت. زریاب دارای ابداعات و ابتکارات بسیاری در موسیقی آن دوران است، که مهم‌ترین کار او را باید تکوین «مکتب موسیقی ایرانی اسپانیا» دانست. بسیاری از اصولی که زریاب در تنظیم و تدریس موسیقی، پایه‌ریزی کرد، هم اکنون در موسیقی مغرب زمین به کار می‌رود.

برخی دانشمندان موسیقی‌دان (از اسلام تا حمله مغول)

با مطالعه بر روی صفحات تاریخ به اسامی چند تن از موسیقی‌دانانی می‌رسیم که برخی از معروف‌ترین آن‌ها تا پیش از حمله مغول، عبارتند از: ابونصر محمد بن محمد فارابی، ابوالحسن حسین بن طاهر بن زبیله اصفهانی، ابوالوفای بوزجانی، عبدالمؤمن اصفهانی.

هجوم مغول و دگرگونی اوضاع ایران

کو دیده که تا بر وطن خود گرید
دی بر سر یک مرده دوصد گریان بود
بر حال من و واقعه بد گرید
امروز یکی نیست که بر صد گرید*

«چیرگی مغول و کشتار، چپاول و فسادى که از رهگذر سلطه این قوم وحشی بر مردم ایران رفت، روح نشاط و شادى و امید را در مردم کشت و یأس و دلمردگی را جایگزین کرد. برای تخفیف آلام و تسلی خاطر، پشت پا به دنیا زدند و به زندگانی و دنیا و همه چیز آن بی‌اعتنا شدند. این عالم را به هیچ شمردند، عنان اختیار را به دست حوادث سپردند و در پی خرافات افتادند. اندک اندک آثار آفت و نابودی در تمامی امور پدیدار شد و موسیقی، مقام ارجمند و منزلت گذشته خویش را از دست داد.» (۲۰)

با وجود همه این ددمنشی‌ها و ویران‌گری‌ها، مشعل پرفروغ تمدن، فرهنگ و هنر اصیل این سرزمین به دست بزرگان ادب و هنر همچنان روشن باقی ماند و دستان پرمهر بزرگان و کارگزاران ایرانی حکومت در حفظ آن ارزش‌ها، اثر بسیار گذاشت. از آن جمله است «خاندان جوینی» یعنی خواجه شمس‌الدین جوینی (وزیر) و فرزندش خواجه شرف‌الدین هارون. از چهره‌های نام‌آور موسیقی‌دان و موسیقی‌شناس این دوران می‌توان به خواجه نصیرالدین طوسی،

صفی‌الدین ارموی (مؤلف رساله شرفیه)، عبدالمؤمن اصفهانی و به قطب‌الدین شیرازی (مؤلف دره‌التاج) اشاره نمود. اما تبعات و اثرات شوم استیلای مغول و ناگواری فرهنگ ستیزی این قوم وحشی، یکی دو سده بعد، نمود یافت و از پایان عصر تیموری دوره انحطاط علمی، ادبی و هنری ایرانیان سرعتی فزاینده به خود گرفت و در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه به اعلا درجه خود رسید. هر چند در برخی از این مقاطع تاریخی، جامعه به امنیت و آسایشی نسبی، دست می‌یافت، ولی به علت نبودن منابع و مأخذ انسانی و حتی نوشتاری (به دلیل تحلیل رفتن کتابخانه‌ها و کتب برجای‌مانده)، این سراسیمه انحطاط همچنان استمرار یافت.

موسیقی تیموری تا ظهور صفویه

در روزگاری که حافظ - از سپهر تیز رو چشم آسایش ندارد، ایام را فتنه‌انگیز می‌شمارد، از جهان سست نهاد درستی عهد نمی‌جوید، ز تند باد حوادث در شکایت است، و مزاج دهر را تبیه شده می‌داند - مردم هنوز از ستمگری‌ها، تجاوزات و هرج و مرج حکومت ایلخانیان رهایی نیافته، سرنوشت‌شان به‌دست قتال دیگری به نام امیر تیمورگورکان می‌افتد. با وجود خونریزی و قتل و غارت بسیار او در شهرهای خوارزم، اصفهان، شیراز و سایر بلاد، به سمرقند پایتخت خود توجه فراوان می‌کند و آن را مرکز اجتماع دانشمندان، هنرمندان و صنعتگران می‌نماید. در زمان شاهرخ نیز شهر هرات که به پایتختی برگزیده شده بود، به بزرگ‌ترین و معتبرترین کانون علم و فرهنگ و ادب و هنر مبدل می‌گردد و در عصر سلطان حسین میرزا (بایقرا) و وزیر ادب دوست و فرهنگ پرورش امیرعلیشیرنوازی، این مرکزیت باقی می‌ماند و «مکتب هرات» تکوین می‌یابد. از موسیقی دانان برجسته دوره قنبرت و عصر تیموریان می‌توان به عبدالقادر مراغی اشاره کرد که صاحب تألیفات پرارزشی است، چون: جامع‌الالخان، مقاصد‌الالخان، کنز‌الالخان، شرح ادوار و ...

موسیقی صفوی

در عهد صفویه به دلیل کاردانی برخی از پادشاهان در این دوره دوپیست و بیست ساله، خصوصاً در زمان شاه عباس اول، صنعت و تجارت در ایران رونق گرفت، مردم به امنیت و آسایش رسیدند و بسیاری از هنرهای زیبا از جمله نقاشی، خوشنویسی، تذهیب کاری، ... و همچنین معماری، راه ترقی و تکامل پیمود، اما شعر و موسیقی نه تنها پیشرفتی نداشت که همچنان رو به نزول و انحطاط می‌رفت. موسیقی‌ستیزی شاه اسماعیل و شاه تهماسب که شرحی به تفصیل با دو صد دیده حیران می‌خواهد، کار را به جایی رسانید که نه موسیقی‌دان قابلی پرورش یافت و نه گوش شنوا و خریداری برای موسیقی باقی ماند! به مصداق این شعر میرزا معصوم:

بس پرده شناسان که در این گنبد راز
کس نیست که خوان عیشی آماده کند
رفتند و ز هیچ کس نیامد آواز
این نعمت نغمه ماند در کاسه ساز
«علاقه‌مندان موسیقی نیز چون تحصیل این هنر را بی‌خبردار دیدند و جان خود را نیز در خطر می‌دیدند، از آن دست کشیده به دنبال دیگر علوم و فنون که مورد پسند ز

خریدار بود، رفتند. بسیاری از مباشرین عمل موسیقی که مغضوب اولیاء و بستگان و مطرود اجتماع شده بودند، نیز برای پرهیز از مزاحمت و تعرض مخالفان و دشمنان، یا هنر خود را پنهان داشتند یا از آن دست کشیدند. نتیجه آن که موسیقی علمی در بوتۀ فراموشی افتاد و متروک گردید و ضابطین این فن به تدریج محدود شده از میان رفتند و تشویق و حمایت شاه عباس نیز هر چند از سرعت سقوط آن جلوگیری کرد، اما نتوانست از سیر قهقرایی آن بکاهد» (۲۰).

به هر روی حمایت و تشویق شاه عباس اول از هنرمندان و هنرمندان موسیقی موجب شد که روح تازه‌ای (هر چند کوتاه) بر پیکر نیمه جان موسیقی دمیده شود و موسیقی قدیم ایران تا حدودی حفظ و ابقاء گردد. اما عامل اصلی استمرار نغمات و الحان موسیقی گذشته را باید در انواع موسیقی مذهبی متداول و مراسم معمول آن دوران از جمله دسته‌گردانی، روضه خوانی، نوحه سرایی، سینه زنی و... جستجو کرد.

موسیقی در گذار تاریخ از انقراض صفویه تا ظهور زندیه

کشور ایران که در دوران صفویه رو به آبادانی و رفاه نسبی می‌رفت، به دلیل انحطاط فکری، عیاشی و خرافه‌پرستی شاهان آن، خصوصاً بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی شاه‌سلطان حسین، دچار انقراض گشت و دورۀ هفت سالۀ استیلای افغان بر ایران آغاز شد. قتل و غارت و ستمکاری بی‌شمار این قوم سفاک موجب شد که اندوه و دلمردگی جای نشاط و امید را در بین ایرانیان بگیرد و چراغ هنر، بیش از پیش به خاموشی گراید. در این برهه از تاریخ دلاور مردی به نام «نادر» کوشش خود را صرف گردآوردن سپاه و لشکر و نجات ایران از دست دشمنان دور و نزدیک نمود، تا این که خود صاحب تاج و تخت کیان شد، و سلطنت او دوازده سال به طول انجامید که در چهار سال آخر عمر و سلطنت‌اش دچار جنون قدرت گردید، تا بدان جا که از کله‌های مردم بی‌پناه و بی‌گناه، مناره‌ها می‌ساخت. اما قتل نادرشاه به یکباره پایانی بود بر ظلم و بی‌داد او، که شاعری گفته است:

سُرشب به سر، قصد تاراج داشت

سحرگه نه تن سر، نه سر تاج داشت

بدین شرح، نادر به علم و ادب و هنر علاقه‌ای و توجهی نشان نداد، تا آن که بعد از کشمکش‌های بسیار بر سر حکومت و رواج هرج و مرج، کریم خان زند (وکیل الرعایا) به تخت نشست و بار دیگر هر چند دولت مستعجل بود، مردم به راحتی رسیدند و اهل موسیقی به رونقی و این امر باعث شد که اندکی از سرعت اضمحلال این هنر کاسته شود. از موسیقی‌دانان قابل این دوره می‌توان به مشتاق علیشاه اصفهانی، همچنین به میرزا نصیر اصفهانی اشاره نمود. شوربختانه در این روزگار، موسیقی بازاری و بی‌مایه رونق گرفت و هنرمندان راستینی که حلقۀ اتصال گذشتگان به آیندگان بودند، بسیار کم شمار شدند.

قاجاریه و موسیقی قاجاری (۱۲۸۵ - ۱۱۷۴ خورشیدی)

مگر حال آن ملک برگشته است همه، جای اهریمنان گشته است

آقا محمدخان قاجار، سرسلسله قاجاریه که خواجه‌ای سنگدل و خونریز بود، پس از کشاکش بسیار و غلبه بر لطفعلی‌خان زند و سایر مدعیان سلطنت، در سال ۱۱۷۴ خورشیدی بر اریکه شاهی نشست و تهران را به مرکز سیاسی ایران برگزید. مؤلف «تاریخ عضدی» می‌نویسد: «... هر وقت حالت خوشی از برایش دست می‌داد و دماغی داشت، دوتار که زدن این ساز در میان تراکمه معمول است، می‌زد...»، و این نشانه‌ای از آشنایی و علاقه او نسبت به موسیقی است. پس از آقا محمدخان، برادرزاده‌اش یعنی «باباخان» به نام فتحعلی‌شاه وارث تاج و تخت می‌شود و بنا به تقلید از شاهان صفویه و کریم خان به آرایش دربار می‌پردازد و در آن میان، به رشته‌های هنری از جمله نقاشی، خوشنویسی، شعر و موسیقی گرایش نشان می‌دهد، و از این جهت «موسیقی درباری» رواج و رونق می‌گیرد.

«موسیقی درباری» و «موسیقی دانان درباری» در دوره محمدشاه و خصوصاً ناصرالدین شاه، بسیار مورد التفات شاهان، شاهزادگان و درباریان قرار می‌گیرند و اشخاصی چون ناصرالملک نایب السلطنه، شعاع السلطنه، ظل‌السلطان، عین‌الدوله، قوام‌الدوله و بسیاری دیگر، نوازندگان و خوانندگانی اختصاصی اختیار می‌کنند.

انواع موسیقی قاجاری را که بخش عمده‌ای از آن در انحصار حکومتیان بوده است، به این بخش‌ها می‌توان تقسیم نمود: روضه‌خوانی، شبیه‌خوانی، موسیقی رسمی یا دستگاهی، نقاره‌زنی، موسیقی مطربی (دسته)، مناجات‌خوانی، سینه‌زنی و دسته‌گردانی، مرثیه و نوحه‌خوانی، موسیقی نظامی، تصنیف سازی و تصنیف‌خوانی.

(۱) روضه خوانی - خواندن روضه با صدایی خوش و آگاهی از الحان موسیقی، یکی از بخش‌های مهم موسیقی این دوره را می‌سازد، که در حفظ و ابقای موسیقی قدیم و صحیح ما بسیار مؤثر افتاده است. از سرآمد روضه‌خوانان و خطبا در دوره قاجاریه می‌توان به این افراد اشاره کرد: حاج میرزا لطف الله اصفهانی، حاج تاج نیشابوری، شیخ طاهر خراسانی (ملقب به ضیاء الذاکرین)، نیم تاج نیشابوری، عندلیب اصفهانی، شیخ عبدالله تاج کاظمینی.

(۲) شبیه خوانی (تعزیه) - برپا کردن مجالس عزاداری به صورت نمایش مذهبی - موسیقی، که این قسم از موسیقی نیز در آن دوره و پس از آن، در نگهداری بخش عمده‌ای از الحان ایرانی، نقشی به سزا داشته است. از شبیه خوانان به نام این دوره‌اند: ملاعلی‌حسین قزوینی، میرزا حسن قزوینی، ملا عبدالکریم جناب (جناب قزوینی)، قربان‌خان شاهی، اقبال آذر، آقاخان ساوه‌ای، سیدعبدالباقی بختیاری، قلی‌خان شاهی، سید زین العابدین غراب کاشانی و سید احمد خان سارنگ (ساوه‌ای).

(۳) موسیقی رسمی یا دستگاهی - تنظیم و تقسیم موسیقی ایران، و ارکان و اجزاء آن به دستگاه، آواز و گوشه، به تناسب فواصل مختلف. بعد از سده نهم هجری قمری و

هنر ایرانی، خصوصاً شعر و موسیقی دانسته‌اند، نظام پیشین موسیقی، از صورت «ادواری» - بنا به ضروریات زمان و تفکر ساماندهی موسیقی به توسط موسیقی‌دانان - به نظام «دستگاهی» مبدل شد، و احتمالاً در دوره پادشاهی فتحعلی‌شاه یا محمدشاه، قوام یافت.

اما ناگفته نماند که بر حسب مستندات تاریخی، این بخش از موسیقی نیز در آغوش موسیقی‌دان درباری، به رشد و تعالی رسید و گاه به تحریف و تبدیل دچار شد. از موسیقی‌دانان این دوره‌اند: حسن خان (ملقب به سنتورخان)، خوشنوازخان، آقامطلب، محمدصادق‌خان (سرورالملک)، علی اکبر فراهانی، سماع حضور، میرزا حسن خاکی بزرگ، میرزا ابراهیم خاکی کوچک، حسین‌علی‌خان (ملقب به امیرجان)، علی‌اکبرخان شاهی، میرزا غلامحسین، رحیم خواجویی (خاجویی)، رحیم زری باف، عندلیب السلطنه، اسدالله خان اتابکی، آقا غلامحسین، میرزا عبدالله، مهدی صلیحی (منتظم‌الحکما)، میرزا حسین قلی، میرزا غلامرضای شیرازی، موسی کاشی، باقرخان رامشگر، ابراهیم آقاباشی، عیسی آقاباشی، سیدعبدالرحیم اصفهانی، نایب اسدالله، جوادخان قزوینی، حسین خان اسماعیل‌زاده، سلیمان اصفهانی، رضاقلی تجریشی، علیخان نایب السلطنه، عندلیب گلپایگانی، میرزا حسین خضوعی و...

(۴) نقاره زنی - زدن نقاره در استقبال از طلوع و بدرقه غروب آفتاب، هنگام جنگ، روزهای جشن و اعیاد رسمی و مراسم سلطنتی.

(۵) موسیقی مطربی (دسته) - گروه مطربان درباری و غیر درباری را در این دوران، «دسته» می‌نامیدند.

(۶) مناجات خوانی - راز و نیاز و نیایش پروردگار با الحان خوش بر فراز گلدسته مساجد و بام منازل. از مناجات خوانان و اذان‌گویان معروف این دوره‌اند: سیدحسین‌عندلیب اصفهانی، علیخان نایب السلطنه، قربان خان شاهی، جناب دماوندی، حاجی مؤذن تفرشی و سیدحبیب‌الله چاله‌حصاری.

(۷) سینه زنی و دسته‌گردانی - نوعی عزاداری به صورت جمعی با استفاده از آلات و ادوات مخصوص موسیقی و الحان افسرده با ضرب‌آهنگ‌های مناسب.

(۸) مرثیه و نوحه‌خوانی - اشعار و تصانیفی که با مضامین مذهبی ساخته می‌شد و برای سینه‌زنی در مجالس عزاداری و دسته‌گردانی به کار می‌رفت.

(۹) موسیقی نظامی - در سال ۱۲۳۲ خورشیدی، شعبه‌ای در مدرسه دارالفنون برای تعلیم موزیک نظام جدید دایر و موسیو لومر فرانسوی برای تدریس این رشته به تهران دعوت شد. در سال ۱۲۹۷ خورشیدی نیز «مدرسه موزیک» به ریاست مین باشیان (غلامرضا خان سالار معزز) شروع به کار کرد.

(۱۰) تصنیف‌سازی و تصنیف‌خوانی - اشعاری را که با نغمات موسیقی به صورت جفت ساخته، ارائه، و در آن، شعر بر آهنگ و یا آهنگ بر شعر منطبق می‌گردید، «تصنیف» نامیدند. گذشته از مسیر تغییرات و تحولات تصنیف‌سازی از سده هشتم (حتی پیش از آن) تا عهد قاجاریه و چگونگی استفاده از شعرهای هجایی و سرودهای ضربی، باید به این نکته اشاره کرد که با ظهور علی اکبر شیرازی مشهور به «شیدا» (۱۲۸۵-۱۲۲۲ خورشیدی)، عصر